

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال ششم، شماره پیاپی ۱۸، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۴
صص ۳۱-۵۰

زندگی پس از زندان؛ چالش‌های بازسازی برای زنان

سهیلا صادقی فسایی، دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

زهرا میرحسینی، استادیار، مطالعات زنان خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، ایران*

چکیده

مقاله حاضر براساس پژوهشی کیفی انجام شده و تلاش شده است چالش‌های زندگی زنان پس از آزادی از زندان و همچنین، شیوه مدیریت این چالش‌ها بنا بر روایت ایشان، تجزیه و تحلیل شود. براین اساس، با ۳۸ زن ۶۸-۱۹ساله آزادشده، مصاحبه‌های عمیق کیفی و پدیدارشناسانه انجام شده و تجربه زیسته آنها از دوران حبس و پس از آزادی ارزیابی و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این زنان، درزمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند. همچنین، مطابق نتایج به‌دست‌آمده سرزنش و تحقیر، احساس تنهایی، احساس محرومیت و عقب‌ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی و... مشکلاتی را در زندگی آنها به وجود آورده و آنان را مجبور کرده است به کمک این شیوه‌ها این چالش‌ها را در زندگی خود مدیریت کنند: سرپوش گذاشتن بر هویت مجرمانه، گمنامی و ناشناختگی، قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق شبکه‌های جدید، درگیری در فعالیت‌های روزانه مانند اشتغال و مراقبت از فرزندان و مواردی نظیر اینها.

واژه‌های کلیدی: زندان، داغ‌نگ، گمنامی، ناشناختگی.

مقدمه و بیان مسأله

آمارهای موجود در حوزه جرائم زنان نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰ تعداد محکومان در دادگاه‌ها رشد داشته است (سراجزاده و نوربخش، ۱۳۸۷: ۴۱) با این حال، محققان و اندیشمندان حوزه مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی با وجود تغییرات به وجود آمده در زمینه تعداد جمعیت زنان زندانی به جرائم زنان، به ویژه مسائل و مشکلات آنان در هنگام بازگشت به جامعه کمتر توجه کرده‌اند. غفلت از این امر، افزایش میزان بزهکاری مجدد و بازگشت به زندان و نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد (صادقی‌فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۳۴۶). برای محکومی که مدتی از عمر خود را در زندان گذرانده است، دوران پس از حبس یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی محسوب می‌شود و بر زندگی و آینده افراد تأثیرگذار است؛ زیرا مسائل و مشکلات موجود در زندگی عده زیادی از این زنان، چالش‌های فراوانی را در مسیر بازگشت به جامعه به وجود می‌آورد. این مسئله، حتی ممکن است مانع بازسازی زندگی در دوران پس از حبس شود و مسیر زندگی زنان را مجدداً به طرف ارتکاب جرم و به تبع آن زندانی شدن سوق دهد؛ به همین دلیل، شناسایی ابعاد زندگی زنان پس از دوران حبس و نحوه مواجهه آنها با دنیای اجتماعی و چالش‌های موجود در جامعه، فوق‌العاده اهمیت دارد و محققان و کارشناسان حوزه مسائل اجتماعی را با این امور آشنا می‌کند: ابعاد زندگی زنان در این دوران و به دنبال آن، نیازها و خواسته‌های آنها برای توفیق در بازسازی و بازگشت به زندگی اجتماعی و همچنین، مدیریت چالش‌های پس از حبس. پژوهشگران در این پژوهش تلاش دارند با رویکردی پدیدارشناسانه تجربه زیسته زنان را پس از آزادی از زندان ارزیابی کنند. گفتنی است باتوجه به روش این پژوهش و نیز ماهیت تحقیقات کیفی محققان به هیچ وجه قصد نداشته‌اند یافته‌های خود را تعمیم دهند؛ هرچند نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، مبین نتایج این تحقیق است.

پیشینه و ادبیات تجربی تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه مسائل اجتماعی و مددکاری اجتماعی به‌طور ویژه‌ای به گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر زنان در جامعه توجه کرده‌اند؛ به همین دلیل زندگی زنان سابقه‌دار به‌صورت بخشی از این قشر، برای آنان اهمیت پیدا کرده است. باتوجه به پیچیدگی زندگی این زنان، بسیاری از ابعاد زندگی و مسائل و مشکلات آنان در فرایند بازسازی و بازگشت به جامعه، پنهان و ناشناخته باقی مانده است و به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران به‌صورت محدود و با در نظر گرفتن گستردگی ابعاد مجرمیت و پیامدهای آن، بخشی از این موضوعات و مسائل را بررسی و مطالعه کرده‌اند. در این بخش، سعی شده است برخی مطالعات انجام شده در این حوزه، بررسی شوند و به آنها ارجاع داده شود. ارزیابی این پژوهش‌ها به استخراج مفاهیم حساس، افزایش دانش زمینه‌ای و حساسیت نظری^۱ منجر می‌شود. همچنین، باتوجه به کیفی بودن پژوهش، برای انجام آن از چارچوب نظری خاصی استفاده نشده است. باوجود این، در تمام مراحل پژوهش، از جمع‌آوری داده‌ها تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها ارتباط با دانش موجود با استفاده از مفاهیم حساس و ارجاع به آراء مرتبط، حفظ شده است. برخی پژوهشگران معتقدند تحقیقات کیفی پژوهش‌هایی اکتشافی هستند؛ بنابراین، پژوهشگر از همه مقولات مناسب و مربوط به نظریه‌اش آگاهی قبلی نخواهد داشت. عموماً پژوهشگر بعد از آشکار شدن هر مقوله‌ای ممکن است با مراجعه به متون تخصصی از بودن یا نبودن آن مقوله در آنجا مطمئن شود و این مسئله را بررسی کند که در صورت وجود داشتن آن موضوع، سایر پژوهشگران درباره‌اش چه نظری دارند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۴۸). به این ترتیب، در این پژوهش نیز از ادبیات پژوهش به‌صورت چارچوب‌های ارجاعی و استنادی در تمامی مراحل پژوهش استفاده شده است.

^۱ Theoretical sensitivity

ترک اعتیاد. همچنین، آنان بر این باور بودند که در آینده، دستیابی به مسکن (۸۸درصد) و اشتغال (۹۵درصد) برای دورماندن از زندان به آنان کمک می‌کند. این مقاله، ضمن بیان موانع پیچیده‌ای که زنان با آنها روبه‌رو می‌شوند، تقویت مداخلات و افزایش مشاوره و خدمات را برای کمک به آنها لازم و ضروری دانسته است.

تحقیقات داخلی

علی افراسیابی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پساکیفری» در گام نخست، تلاش کرده است فرایندی اجرایی را برای بازپذیری اجتماعی بزهکاران ترسیم کند. او در گام دوم، به موانع اجرای این فرایند در سیاست جنایی ایران توجه کرده و آسیب‌های موجود در دو حوزه کیفری و پساکیفری را تبیین کرده است. تحلیل مقررات و رویه‌های جاری در بسترهای کیفری نشان می‌دهد که در مرحله تشخیص و طبقه‌بندی زندانیان در سازمان زندان‌ها به آسیب‌شناسی روانی و اخلاقی بزهکاران اهمیت داده شده است؛ ولی در مقابل به‌طور چشمگیری به موضوع شناسایی و برچیدن عوامل اجتماعی جرم، توجه نشده است. براساس نتیجه این پژوهش، ترسیم یک بستر علمی و منسجم برای اجرای فرایند بازپذیری اجتماعی بزهکاران، به سیاست‌گذاری در دو حوزه کیفری و پساکیفری نیاز دارد.

امیرحسین نیازپور (۱۳۸۷) در مقاله «محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان: جلوه‌ای از کارکرد توان‌فرسای کیفرهای اجتماع‌محور» موضوع محرومیت بزهکاران از حقوق اجتماعی خود را در سه بخش محرومیت از حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اقتصادی بررسی کرده و با تأکید بر لایحه مجازات‌های اجتماعی این حقوق را به‌صورت نمودی از کارکرد توان‌فرسای کیفرهای اجتماع‌محور، جایگزین زندان دانسته است.

شهرام ابراهیمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بازپروری عادلانه مجرمان» جنبه‌های مختلف بازپروری و چگونگی

طبق پژوهش‌های موجود در زمینه زندگی پس از زندان و دوران بازگشت به جامعه، تاکنون پژوهش‌های اندکی این موضوع را ارزیابی کرده‌اند و همین تعداد اندک نیز بیشتر رویکرد حقوقی یا مددکاری اجتماعی داشته‌اند. همچنین، در بیشتر این پژوهش‌های به‌متغیر جنسیت توجه نشده و این مسئله در پژوهش‌های داخلی بیشتر دیده می‌شود.

تحقیقات خارجی

پاتریشیا اوبرایان، در زمینه مسائل و مشکلات زنان پس از دوران حبس، پژوهش‌های متعددی (2001, 2002, 2007, 2008) انجام داده که این پژوهش‌ها، بیشتر از نظر مددکاری اجتماعی به مسائل و مشکلات این دوران توجه کرده است. در مقاله مربوط به سال 2002 او با نام «کاهش موانع اشتغال برای زنان سابقه‌دار؛ ارائه نقشه راه برای ادغام مجدد» موانع مستقیم و غیرمستقیم موجود بر سر راه اشتغال این زنان، بررسی و مطالعه شده است. اوبرایان، در این مقاله پنج دسته از موانع را در حوزه حمایت‌های خانواده، مسکن، خشونت خانگی، درمان و سوءمصرف مواد مخدر و الکل و اشتغال و رفاه اقتصادی شناسایی و ارزیابی کرده است و طبق باور او برطرف کردن این موانع، در بازسازی زندگی پس از زندان، نقش مؤثری دارد.

مکلین، روبرارژ و شرمین در سال 2006 پژوهش دیگری به نام «آزادی از زندان؛ لحظه بحرانی یا پنجره‌ای رو به فرصت برای زنان زندانی در شهر بالتیمور» انجام داده‌اند که در این طرح با ۱۴۸ زن در بازداشتگاه مرکزی این شهر مصاحبه شده است. آنها از این زنان پرسیده‌اند پس از آزادی از زندان، چه موانعی را در مواجهه با آزادی پیش‌بینی می‌کنند و چه نوع خدماتی برای آنان سودمند خواهد بود. در مجموع، زنان در پاسخ به این سئوالها این فهرست را درباره خدمات لازم ارائه کرده‌اند: خدمات درمانی و بهداشتی، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری به‌ویژه در ارتباط با آزارهای گذشته، خدمات آموزشی، خدمات اشتغال، خدمات مسکن و سرپناه و

چالش‌های زندگی پس از زندان و روایت‌های زنان از وضعیتی که پس از آزادی از زندان با آن مواجه شده‌اند و همچنین، مدیریت این چالش‌ها از جانب آنان که در تحقیق پیشین، به این مسائل توجه نشده است.

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، مطالعه جامعه‌شناختی چالش‌های زندگی پس از زندان است و اهداف جزئی آن عبارت‌اند از:

- بررسی تجربه زیسته زنان پس از آزادی از زندان؛
- بررسی روش مواجهه زنان سابقه‌دار با جامعه و گروه‌های اجتماعی پس از آزادی؛
- شناسایی چالش‌های زندگی زنان پس از آزادی و
- شناسایی چگونگی مدیریت چالش‌های پس از حبس و کاهش تبعات آن.

روش تحقیق

باتوجه به ویژگی تحقیق در حوزه زنان، به‌ویژه گروه‌های خاص آنان، از روش تحقیق کیفی استفاده شده است که بیشتر جنبه اکتشافی دارد. به‌کارگیری روش کیفی کمک می‌کند ابعاد پنهان زندگی زنان در دوران پس از حبس آشکار شود؛ زیرا هرکس با ویژگی‌های منحصر به فرد حاصل شده از زندگی اجتماعی خود، در وضعیتی متفاوت از سایرین به سئوالات محقق کیفی پاسخ می‌گوید و به او اجازه می‌دهد موقعیت‌های افراد را درک کند (صادقی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۳۴۸). همچنین، در این پژوهش به دنبال فهم درک زنان از چالش‌های زندگی پس از حبس بوده‌ایم تا شیوه مدیریت این چالش‌ها را در زمان مواجهه با جامعه و نیز فرایند بازسازی زندگی آنان را پس از دوران حبس دریابیم. براین اساس، برای انجام کار خودراهبرد پدیدارشناسانه را انتخاب کرده‌ایم. در این راهبرد، پژوهشگر پدیده را از طریق کنشگران شرکت‌کننده در آن، توصیف یا تفسیر می‌کند و فعالان افرادی هستند که پدیده مدنظر را تجربه کرده‌اند. به بیان دیگر، در روش پدیدارشناسانه شناخت

انعکاس آن را در اسناد بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی ایران بررسی و مطالعه کرده است. طبق دیدگاه او برخی قوانین فراملی حقوق بشری عمدتاً به‌طور منظم بر محتوا، جهت‌گیری و چگونگی سازوکار عدالت کیفری دولت‌ها نظارت می‌کنند و در صورت رعایت نکردن تضمین‌های حقوق بشری در عدالت قضایی و سیاست‌های ناعادلانه جنایی آنها را به محاکمه می‌کشاند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اتخاذ رویکردهای «عدالت کیفری کرامت‌مدار» در بعد پیشگیری از تکرار جرم و بازپروری مجرمان نقش مؤثری دارد. تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در این موارد است:

این تحقیق با استفاده از روش کیفی و با تکیه بر سنت پدیدارشناسانه و دریافت اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق کیفی و روایتی با زنان سابقه‌دار، سعی کرده است مشکلات و چالش‌های آنها را پس از زندان، هر چه بیشتر و عمیق‌تر شناسایی کند. همچنین، در این مقاله با رویکردی جامعه‌شناختی سعی شده است چالش‌های زندگی زنان مجرم و مدیریت این چالش‌ها به دست آنان، به‌طور ویژه مطالعه شود؛ حال آنکه تحقیقات پیشین با رویکردی حقوقی و بدون توجه به تأثیر متغیر جنسیت و همچنین، روایت خود زنان انجام شده است.

علاوه بر تحقیقات ذکر شده، صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان، پس از آزادی از زندان» تجربه زیسته زنان را از زندگی در زندان، پس از دوران حبس و فاصله‌گرفتن از آن بررسی کرده‌اند. مطابق یافته‌های آنان، زنان تجربه زندگی در زندان و پیامدهای آن را در دو دسته مثبت و منفی تقسیم کرده‌اند؛ براین اساس، آنها معتقدند زندان به همراه تبعات منفی چون طرد خانوادگی، دوری از خانواده و فرزندان و...، تبعات مثبتی چون دوری از شبکه‌های ارتباطی جرم‌زا و قطع ارتباط با آنها، جداسدن از سابقه جرم، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و مواردی نظیر این را نیز به دنبال داشته است. تفاوت این پژوهش با تحقیق یادشده نیز در این موارد است: مطالعه

نمونه‌گیری

در روش کیفی نمونه‌ها براساس دسترسی، راحتی و توجه به اشباع نظری انتخاب می‌شوند. در این روش، نمونه‌گیری هدفمند، نظری یا ابزاری و باتوجه‌به موضوع مدنظر است (Silverman, 2000: 290-292).

برای انتخاب نمونه‌ها ابتدا باید جامعه مدنظر را ارزیابی کرد و در آن گونه‌شناسی انجام داد تا نمونه‌گیری بر مبنای هریک از گونه‌های شناخته‌شده انجام شود. در اینجا نکته مهم نه تعداد نمونه‌ها بلکه درجه گویایی آنهاست، بنابراین، پژوهشگر باید بیش از هر موضوع تلاش کند گویابودن نمونه را با استدلال و بیان خود نشان دهد. در این مرحله، از مصاحبه‌شونده‌ها آنقدر پرسش می‌شود که پاسخ‌های آنان، مشابه یکدیگر شوند و به حد اشباع برسند.

افراد مدنظر، براساس روش نمونه‌گیری هدفمند و از میان زنانی انتخاب شده‌اند که حداقل یکبار سابقه حبس داشته‌اند. باتوجه‌به مشکلات دسترسی به این افراد، زنان مصاحبه‌شونده از میان زنان آزادشده‌ای انتخاب شده‌اند که به مرکز مراقبت پس از خروج استان تهران مراجعه و در آن مرکز پرونده تشکیل داده‌اند. هریک از مصاحبه‌ها بین ۳-۱ ساعت طول کشیده و در بیشتر مواقع با اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط شده است. همچنین، به آنها اطمینان داده شده است که این اطلاعات و فایل‌های ضبط‌شده، صرفاً در دست محقق هستند و برای تسریع در امر مصاحبه و پرهیز از نوشتن هم‌زمان مکالمات جمع‌آوری شده‌اند.

تحلیل اطلاعات

بعد از مرحله جمع‌آوری داده‌ها و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به صورت متن، نوبت به تجزیه و تحلیل متون مصاحبه‌ها می‌رسد. در هر مطالعه پدیدارشناسانه‌ای برای رسیدن به توصیفات ساختی و ساختاری عموماً دو سؤال کلی از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شود: نخست آنکه چه موضوعی را در ارتباط با پدیده مدنظر تجربه کرده‌اند و دوم آنکه چه وضعیتی بر تجربه فرد از

و فهم، از تجربه زیسته کنشگران به دست می‌آید و این امر برعکس تجربه دست دوم است. نکته مهم در این پژوهش آن است که پژوهشگر برای فهم تجارب شرکت‌کنندگان، باید تجارب شخصی خود را نادیده بگیرد و تصورات قالبی خود را مهار کند (Creswell, 2007: 80).

در رهیافت پدیدارشناختی اطلاعات را از افرادی جمع‌آوری می‌کنند که آن پدیده را تجربه کرده‌اند و سپس توصیفی ترکیبی از ذات مشترک آن تجربه برای همه افراد ارائه می‌دهند. این توصیف، شامل تجربه‌های آنها و چگونگی این تجربه‌ها می‌شود (Moustakas, 1994 به نقل از کرسول، ۱۳۹۴: ۸۱ و ۸۰). به این ترتیب، در پژوهش پدیدارشناسی محقق تلاش می‌کند توصیفی ارائه دهد که هدفش تشریح «ماهیت» پدیده مدنظر است. همچنین، این توصیف در پی نشان‌دادن لایه‌های زیرین این تجربیات مشترک است (Creswell, 2007: 76-79). محقق برای گردآوری چنین اطلاعاتی لازم است با افرادی که «به‌طور مستقیم» پدیده مدنظر را تجربه کرده‌اند، مصاحبه‌های عمیقی انجام دهد؛ زیرا این افراد «تجربه زیسته»^۱ دارند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۰۱).

در این تحقیق از متدهای مصاحبه‌های عمیق کیفی، مصاحبه‌های روایتی، مشاهده مستقیم و مطالعه اسناد و مدارک به صورت هم‌زمان و چندگانه استفاده شده است. این عمل برای گردآوری داده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر و تأمین اعتبار انجام شده است. همچنین، پژوهش ما چندین بعد از یک مطالعه پدیدارشناختی را در بر می‌گیرد؛ به همین دلیل، در تحلیل اطلاعات برای کشف «اظهارات مهم» از رویه‌های نظام‌مند و برای رسیدن به «خوشه‌های معنایی» و توصیف ذات پدیده، از روش موستاکاس (1994) استفاده شده است. گذشته از آن، در این مقاله جداولی شامل مفاهیم، مقوله‌ها، معانی و اظهارات مهم ارائه شده است که نشان می‌دهد نویسندگان چگونه از اطلاعات خام، به توصیفات جامع ذات و خوشه‌های معنایی رسیده‌اند.

¹ Lived Experience

این پدیده تأثیر گذاشته است. سئوالات دیگری نیز پرسیده می‌شوند. با توجه به اطلاعات به دست آمده از این سئوالات، ابتدا متون مصاحبه‌ها را به دقت بررسی می‌کنیم و گزاره‌ها و جملات مهم را برای درک چگونگی تجربه مشارکت‌کنندگان برجسته می‌کنیم. در مرحله بعد، محقق از این گزاره‌های مهم و برجسته شده «حلقه‌ها یا خوشه‌های معنایی» تشکیل می‌دهد و سپس گزاره‌های برجسته شده برای نوشتن توصیفی ساختی از امور تجربه شده به کار می‌رود. گزاره‌ها برای توصیف «زمینه» تأثیرگذار بر چگونگی تجربه پدیده از جانب مشارکت‌کنندگان، استفاده می‌شوند و «توصیف ساختاری» نام دارند. محقق تلاش می‌کند از درون توصیف ساختی و توصیف ساختاری توصیفی ارائه دهد که هدفش تشریح «ماهیت» پدیده مدنظر است. این توصیف، مشترکات تجربیات همه مشارکت‌کنندگان را در بر می‌گیرد و به دنبال نشان دادن لایه‌های زیرین و آشکارکننده «ساختار» این تجربیات مشترک است (Creswell, 2007: 60-62). گفتنی است تحلیل و تفسیر متون دو هدف متضاد را دنبال می‌کند؛ هدف نخست، آشکارکردن گزاره‌ها یا قراردادن آنها در بسترشان درون متن است که معمولاً به افزایش داده‌های متنی منجر می‌شود و گاهی برای یک عبارت کوتاه، تفسیرهای طولانی نوشته می‌شود. هدف دیگر، کاستن از حجم متن از طریق نقل به معنا، خلاصه کردن یا مقوله‌بندی آن است (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۲۹). در این مقاله از هر دو راهبرد استفاده شده است.

ویژگی نمونه‌ها

در این تحقیق با ۳۸ زن سابقه‌دار حبس شده، مصاحبه شده است. تمامی مصاحبه‌شوندگان در هنگام مصاحبه در فاصله سنی بین ۶۸-۱۹ سال قرار داشته‌اند و میانگین سنی آنها در حدود ۴۴٫۸ سال بوده است. کمترین طول مدت حبس نیز ۳ ماه و بیشترین مدت آن ۱۵ سال بوده است. این زنان هر یک به دلیل ارتکاب به جرائمی مانند حمل و قاچاق مواد مخدر، جرائم مالی و کلاهبرداری، سرقت، قتل و رابطه نامشروع به زندان محکوم شده بودند و توزیع فراوانی آنها در جدول (۱) نشان داده شده است. همچنین، سعی کرده‌ایم نمونه‌های انتخاب شده از سطوح مختلف تحصیلاتی باشند. مشاغلی که این زنان پیش از حبس بدان اشتغال داشته‌اند، شامل انواع مشاغل دولتی و خصوصی، کارمندی، کارگری یا مشاغل آزاد زنانه نظیر آرایشگری، فروشندگی و درنهایت، خانه‌داری است. به لحاظ وضعیت تأهل ۶ نفر متأهل، ۶ نفر مجرد، ۱۷ نفر مطلقه و ۳ نفر با همسر فوت شده بوده‌اند و ۶ نفر دیگر نیز همسر خویش را ترک کرده‌اند.

در جلسات مصاحبه، زنان پس از توضیح وضعیت گذشته و دلایل ارتکاب جرم و زندگی در زندان، هر یک توصیفی از روزهای نخست خروج از زندان و شیوه مواجهه با اعضای خانواده و جامعه، چالش‌ها و مسائل پس از حبس و فرایند عادی سازی یا نرمال شدن زندگی و در مجموع، وضعیت فعلی زندگی و نحوه گذران آن بیان کرده‌اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی براساس نوع جرم ارتكابی

| مقولات عمده | مقولات فرعی | مفاهیم |
|--------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| پذیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و اتصالات سرزنش و تحقیر | پدیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و اتصالات سرزنش و تحقیر | مواجهه با خانواده، ترس و نگرانی از شیوه برخورد اعضای خانواده آشکارشدگی، حسن اعتماد، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، دیگران مهم، عادت‌واره‌ها، خودپنداره درجه‌بندی تقصیر، نقش زن در مجرمیت، فشار داغ، احساس گناه |
| چالش‌های زندگی پس از زندان | احساس تنها بودگی احساس محرومیت و عقب ماندگی از دست دادن سرمایه‌ها | انزوایابی، افسردگی، احساس شرمندگی، بی‌یاوری احساس حقارت، سرزنش و تحقیر، ترس از آینده، احساس بی‌کفایتی نداشتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی |
| داغ ننگ زندان، تداوم مجرم‌پنداری | داغ ننگ زندان، تداوم مجرم‌پنداری | کلیشه‌های ذهنی، پنداشت‌ها و پیش‌داوری، احتمال بدنامی، انگ بزه‌کار، سوء پیشینه، ترس از افشا، روسپی‌انگاری |
| تداوم حبس | تداوم حبس | بی‌اعتمادی و مطمئن نبودن، مراقبت مضاعف و مداوم |

سئوالات پژوهش

در این مقاله، محققان با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته اطلاعات را جمع‌آوری و سپس تجزیه و تحلیل کرده‌اند و مصاحبه‌ها براساس این سئوالات تدوین شده‌اند:

- زنان پس از آزادی از زندان چه نوع چالش‌هایی را تجربه کرده‌اند؟
- زنان این چالش‌ها را چگونه درک، معنا و تفسیر می‌کنند؟
- چه وضعیتی بر تجربه فرد از چالش‌ها تأثیر گذاشته است؟
- زنان چگونه این چالش‌ها را مدیریت می‌کنند؟
- آنها در زمینه مدیریت چالش‌ها با اطرافیان و دنیای اجتماعی چه تعاملاتی داشته‌اند؟

یافته‌های تحقیق

رویکرد محقق، شنیدن داستان هر زن سابقه‌دار و ارزیابی او از مسائل، مشکلات، نیازها، توانمندی‌ها، اهداف و درپایان، ترسیم خط سیر زندگی و بررسی رویکرد او درباره بازگشت به جامعه و دوران پس از زندان بوده است. در این میان، روابطی که میان مقولات مطرح می‌شود، به شیوه علت و

معلولی نوشته نشده‌اند و نباید گفت وضعیت خاصی حتماً به ایجاد تعاملات و پیامدهای ویژه‌ای منجر می‌شود. درحقیقت، مسیرهای اتصال و پیوند میان مفاهیم و مقولات، بیش از آن که مستقیم باشند، مسیر پیچیده و درهم‌بافته‌ای از روابط متقابل‌اند. در مصاحبه‌های روایتی، خط سیر روایت زندگی افراد است که در مجموع، براساس آن، چالش‌های زندگی پس از حبس در زندگی این زنان شناسایی می‌شود. این بخش از پژوهش، روایت زنان را از زندگی پس از زندان و نحوه مواجهه با جامعه ارزیابی کرده است؛ بنابراین، در ادامه چالش‌های زندگی پس از زندان و سپس مدیریت این چالش‌ها به صورت عوامل تأثیرگذار بر فرایند بازسازی بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

چالش‌های زندگی پس از زندان

در این دوران، وضعیت زندگی پس از زندان و موقعیت فرد به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که ممکن است چالش‌های زیادی را در ابعاد مختلف زندگی زنان به وجود آورد. جدول (۲) نتیجه مقوله‌بندی چالش‌های زندگی پس از زندان را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مقوله‌بندی چالش‌های زندگی پس از زندان

| مقولات عمده | مقولات فرعی | مفاهیم |
|------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| پذیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و اتصالات | مواجهه با خانواده، ترس و نگرانی از شیوه برخورد اعضای خانواده، آشکارشدگی، حسن اعتماد، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، دیگران مهم، عادت‌واره‌ها، خودپنداره | |
| سرزنش و تحقیر | درجه‌بندی تقصیر، نقش زن در مجرمیت، فشار داغ، احساس گناه | |
| چالش‌های زندگی پس از زندان | احساس تنها بودگی، احساس محرومیت و عقب ماندگی، از دست دادن سرمایه‌ها | انزوایابی، افسردگی، احساس شرمندگی، بی‌یاوری، احساس حقارت، سرزنش و تحقیر، ترس از آینده، احساس بی‌کفایتی، نداشتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی |
| داغ ننگ زندان، تداوم مجرم‌پنداری | کلیشه‌های ذهنی، پنداشت‌ها و پیش‌داوری، احتمال بدنامی، انگ بزه‌کار، سوء پیشینه، ترس از افشا، روسپی‌انگاری | |
| تداوم حبس | بی‌اعتمادی و مطمئن‌نبودن، مراقبت مضاعف و مداوم | |

پذیرش و اتصال به خانواده

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین چالش‌های زنان پس از آزادی از زندان، مواجهه با خانواده و ترس و نگرانی از نحوه برخورد آنها است. بسیاری از زنان سابقه‌دار از زمان حبس در زندان، اطلاعات زیادی درباره واکنش خانواده در برابر بزهکاری و زندان رفتن خود به دست می‌آورند و به نوعی عکس‌العمل اعضای خانواده خود را موقع خروج از زندان پیش‌بینی می‌کنند؛ با این حال، همواره درباره برخورد نخست پس از زندان، نگران هستند. سمانه^۱ ۲۵ ساله و مجرد، به جرم قتل پدر خود مدتی در حبس بوده که با رضایت اولیای دم آزاد شده است:

«... همه می‌دونستن پدرم چه رفتاری با من داشته و چه بلایی سرم آورده؛ برای همین هم وقتی اون کار رو کردم، اومدن رضایت دادن و من هم آزاد شدم؛ ولی بهم گفتن تو یه قاتلی و دلمون نمی‌خواد تو خونمون رفت و آمد کنی. منم تا همین چند وقت پیش با مادرم زندگی می‌کردم که اونم مرد و حالا تنها شدم.»

بازخوردهای زندان و اتصالات^۲ اجتماعی

پس از آزادی از زندان، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های زنان در هنگام مواجهه با دیگران «ترس از برملا شدن» سابقه زندان و مجرمیت است؛ به طوری که ترس از آشکار شدن این موضوع تقریباً در تمامی این زنان مشترک است و این مسئله، در میزان نحوه حضور و مشارکت زنان در سطوح مختلف اجتماعی و خانوادگی مؤثر است و احتمالاً زندگی فرد را با چالش

^۱ نام تمامی افراد مصاحبه‌شونده مستعار است.

^۲ منظور از کلمه اتصالات Attachment است؛ حال آنکه برای واژه ارتباطات از Relationships استفاده می‌شود. تمایز بین این دو در عمل به راحتی انجام نمی‌شود؛ ولی به لحاظ نظری، اتصالات عمدتاً ناشی از نیازی است که خلاءهای زندگی را پر می‌کند. با وجود این، معلوم نیست اتصال به هر کسی یا هر موضوعی به رابطه و ارتباط خوب نیز منجر شود و به همین دلیل، زنان زندانی در روابط خود، بیشتر به لحظه‌ها توجه می‌کنند (Debra Word, 2015).

مواجه می‌کند. به همین دلیل، عده زیادی از این زنان، روایت‌های گوناگونی از برخوردهای طردکننده اطرافیان تعریف کرده‌اند. با وجود این، مطابق نتایج تحقیق پس از آزادی پذیرش زنان از جانب اطرافیان و اعضای خانواده، در فرایند بازسازی زندگی آنها مؤثر است.

ریحانه ۵۷ ساله به دلیل ارتکاب جرایم مالی و صدور چک بلامحل به مدت ۶ ماه زندانی بوده است. روایت او نشان می‌دهد پیش از ارتکاب جرم، با بستگان و نزدیکان خود، ارتباط و همبستگی قوی داشته و در شبکه‌های خانوادگی نیز به طور فعالی عضو بوده است. همچنین، بنا بر گفته ریحانه، این افراد به او «حسن اعتماد» داشته‌اند. این مسئله موجب شده است که پس از زندان رفتن، افراد عضو باتوجه به اعتمادشان به او فعالیت کنند و در نهایت، با جمع‌آوری پول و گرفتن وام از ستاد دیده، ریحانه را از زندان خارج کنند. او می‌گوید:

«خدا رو شکر همه بهم اعتماد داشتن و می‌دونستن من اهل این نیستم که پول مردم رو بخورم. سرم کلاه گذاشته بودن... چون همه چیزم رو برای دادن بدهی فروخته بودم، یه مدتی خونه دخترم و فامیلا زندگی می‌کردم که بعد سه ماه، خدا خیرشون بده، خیلی بهم کمک کردن. ده میلیون بهم قرض دادن. یه خونه تو اطراف تهران اجاره کردم و یه چرخ خیاطیم برام خریدن... منم الان هم برای اون لباس می‌دوزم و هم برای مردم. تو خونه ترشی و سبزی هم برای فروش آماده می‌کنم...».

دریافت سرزنش و تحقیرشدگی

سرزنش و تحقیر، از جمله مسائلی است که زنان زندانی پس از آزادی از زندان با آن مواجه‌اند و آن را عاملی در بروز بیماری‌های روانی مانند افسردگی و انزوا و همچنین، تمایل به کناره‌گیری از جمع‌های فامیلی و دوستانه می‌دانند؛ هرچند گاهی این سرزنش‌ها فراگیر می‌شود و فرد نیز ناگاهانه بر آن دامن می‌زند و خود بیش از دیگران، خود را سرزنش و

طبق بررسی روایت‌های زنان مصاحبه‌شونده، یکی از مشکلات زنان احساس تنهابودگی، بی‌یاوری و نداشتن همراه در زندگی است. این احساس از نظر مفهومی به صورت تجربه‌ای درونی از احساس انزوای اجتماعی است و ممکن است در بیشتر موارد به شبکه‌های اجتماعی یا حمایت‌های اجتماعی محدود مربوط باشد؛ اما ساختار مستقلی دارد. برخی زنان مصاحبه‌شونده می‌گفتند باتوجه‌به مشکلات و برچسب‌های ناشی از حبس کشیدن، تمایل چندانی برای حضور در جمع‌ها و میهمانی‌ها ندارند. همچنین، قطع شبکه‌های ارتباطی و رابطه با زندان و دوستان دوره حبس نیز از جمله خواسته‌های اعضای خانواده و اقدامات آنها برای دوری از جرم و فراموشی محیط زندان بوده است. باین حال، از هم پاشیدگی کانون خانواده، به‌ویژه در زنان مطلقه بیش از سایر زنان به آشکارشدن احساس تنهایی منجر شده است.

نیکو ۳۲ ساله می‌گوید:

«... با خانواده ارتباطی ندارم؛ هردشون مریضن و افسرده. راستشو بخوای خجالت‌م می‌کشم برم پیششون، حوصله سروصدای بچم ندارن. همدمم شده بچه‌ام که یه دختر کوچیکه؛ چی می‌فهمه که چی می‌گم... وضعیت خیلی برام سخت شده و تنهایی خیلی اذیتم می‌کنه؛ ولی دیگه به هیچ مردی هم اطمینان ندارم که دوباره ازدواج کنم...»

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد زندان رفتن و سابقه حبس، گاهی در زنان چنان احساس شرمندگی عجیبی به وجود می‌آورد که خودبه‌خود، مانع از ارتباط آنها با والدین یا دیگران می‌شود؛ به طوری که بعضی از زنان مصاحبه‌شونده، انزوا، بی‌یاوری و تنهایی را به مواجه‌شدن با این افراد ترجیح می‌دهند.

احساس حرمان و جاماندگی

حرمان و جاماندگی احساسی است که به دنبال مقایسه وضعیت موجود زندگی با وضعیت گذشته یا در مقایسه با زندگی افراد هم‌سطح، به وجود می‌آید. این احساس گذشته از

سرکوب می‌کند. میترا ۳۰ ساله مدت ۶ سال به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر زندانی بوده است. او می‌گوید:

«حوصله نگاه‌های افراد فامیل رو ندارم. پیش خودم هیچی نمی‌کن؛ ولی آدم مفهوم نگاهشون رو می‌فهمه. قبلاً می‌اومدن مادر و پدرم رو سرزنش می‌کردن که چرا دخترتون این کار رو کرد... الانم خانوادم خیلی رعایتم رو می‌کنن؛ ولی یه موقع‌هایی که بهشون سخت بگذره، خیلی سرزنشم می‌کنن... مخصوصاً که پدرم برای من خونه رو فروخت و الان مستأجریم و وضع مالیمون خراب شد... یه موقع‌هایی هم حرفی نمی‌زنن؛ ولی نگاهشون همه چی رو می‌رسونه... خیلی احساس حقارت می‌کنم از رفتار و کارای گذشته‌ام، کاش هیچ‌وقت این کار رو نمی‌کردم. همین‌ا منو اذیتم می‌کنه که مجبور میشم با قرص و دارو بخوابم...»

مطابق نتایج تحلیل مصاحبه‌ها گاهی اوقات دامنه سرزنش و تحقیر فرد زندانی وسیع و از حیطة فرد خارج می‌شود؛ چنان‌که اعضای خانواده آنها را نیز در بر می‌گیرد و این مسئله در قطع شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های روابط اعضای خانواده هم مؤثر است. به همین دلیل بعضی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گفتند:

«از وقتی زندانی شدم، خانواده‌ام هم رفت و آمدشون رو قطع کردن...»

در مجموع، نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های کیفی در ارتباط با پیامدهای دریافت سرزنش و تحقیرشدگی به این صورت دسته‌بندی می‌شوند:

- قطع ارتباطات خانوادگی و دوستانه،
- عضویت‌نداشتن و شرکت‌نکردن در شبکه‌های خانوادگی و
- انزواطلبی و افسردگی فردی و خانوادگی.

احساس تنهابودگی^۱

^۱ Being alone

همه قطع کردم... اونام منو فراموش کردن، یادشون رفته من چه جور آدمی بودم و مدام پشت سرم حرف می‌زنن».

در برخی مواقع از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی به صورت هم‌زمان اتفاق می‌افتد که این موضوع، احتمالاً تبعات و پیامدهای بیشتری نیز به دنبال دارد؛ به طوری که برخی مصاحبه‌شونده‌های مرتکب جرائم مالی می‌گفتند هزینه هنگفتی برای ارتکاب جرم متقبل شده‌اند. این امر، گذشته از سرمایه‌های اجتماعی، بخش اعظمی از سرمایه‌های اقتصادی آنها را هم از بین برده است.

یکی از نمونه‌های این افراد سیمای ۵۷ ساله است که جرم او از جمله جرائم مالی محسوب می‌شود. او به دلیل خرید خانه و آغاز کاری تجاری مجبور شده است از دو بانک وام بگیرد. همچنین، سیما خانه خود را در منطقه نیاوران اجاره داده است که به دلیل فراهم نکردن پیش‌بهای منزل و شکایت مستأجر، به زندان افتاده است و دو بانک نیز برای پرداخت نکردن اقساط، خانه را برای فروش گذاشته‌اند. این مسئله باعث شد او پس از خروج از زندان و نداشتن سرپناه و حامی به مدت سه ماه در مسافرخانه بهزیستی زندگی کند.

بر اساس تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش، برخی خانواده‌های متعلق به سطوح طبقاتی بالاتر که در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی گسترده‌ای عضویت دارند، احتمالاً در پذیرش یا نپذیرفتن زنان سابقه‌دار تردید پیدا می‌کنند؛ هرچند میزان آشکار شدن داغ ننگ زندان نیز در این میان، بسیار نقش دارد. به این ترتیب، ممکن است بعضی از این خانواده‌ها با پذیرش این زنان، ارتباط خود را با این شبکه‌ها قطع کنند. همچنین، بعضی خانواده‌ها عضویت در این شبکه‌ها و حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را به پذیرش و حمایت از زنان سابقه‌دار ترجیح می‌دهند که این مسئله، ممکن است چالش‌های عدیده‌ای را در زندگی زنان به وجود آورد.

تداوم حبس و نظارت مضاعف

احساس حرمان و جاماندگی، طیف وسیعی از احساس یأس و ناامیدی، ترس و اضطراب برای آینده، احساس بی‌کفایتی و... را در فرد دامن می‌زند. این وضعیت زمانی وخیم‌تر می‌شود که با سرزنش، تحقیر و احساس تنهایی نیز همراه باشد. می‌تواند ۳۰ ساله مدت ۶ سال به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر زندانی بوده است. او می‌گوید:

«اون چیزی که بعد از آزاد شدن اذیت می‌کرد و برام سخت بود، احساس ترحم و دلسوزی خانواده‌ام بود. فامیل‌ها پشت سرم حرف می‌زدن. پیش پدر و مادرم می‌گفتن که حیف شد، چرا زندگیش اینطوری شد. من با دختر خاله‌ام باهم تو یک سال عروسی کردیم. اون الان دو تا بچه داره. اینا رو که می‌بینم اذیت می‌شم... همه همسن و سالای من که با من عروسی کردن، چند ساله زندگی می‌کنن و بچه دارن... توی زندگی عقب افتادم. به مردها بی‌اعتماد شدم. تا وقتی دختری، هزار نفر میان خواستگاری؛ ولی الان کسی نمی‌یاد. اگر هم بیاد، وضعیتشون خیلی خوب نیست، منم می‌ترسم زنشون بشم...».

از دست دادن سرمایه‌ها

یکی از چالش‌های دیگر مرتبط با حبس در زندگی زنان، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. بر این اساس، خانواده و حمایت‌های خانوادگی، روابط دوستانه و بستگان، از دست دادن شبکه‌های ارتباط دوستانه و محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی از جمله سرمایه‌های اجتماعی - فرهنگی است که احتمالاً فرد با رفتن به زندان، آنها را از دست می‌دهد. به همین دلیل، زنان مصاحبه‌شونده می‌گفتند که از هنگام خروج از زندان، کمتر در فضاهای عمومی و مهمانی‌های دوستانه شرکت کرده‌اند. در این ارتباط، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

«حوصله نگاه و حرفای مردم رو ندارم. قبلاً اینطور نبودم، همش اهل بگو و بخند و مهمونی بودم؛ ولی از وقتی از زندان اومدم بیرون، ارتباطم رو با

این همون دختر فلانی یه که زندان بوده. می‌دونی چی می‌گم، آدم اون موقع نگاه‌های سنگین رو حس می‌کنه و منظورشون رو می‌فهمه. به همه بدبین شدم؛ مخصوصاً به مردها. هیچ مردی رو باور ندارم. خیلی سختی کشیدم. برای مردی زندان افتادم که بعداً فهمیدم ارزشش رو نداشت...».

مدیریت چالش‌ها و داغ ننگ

در مجموع، تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد زنان زندانی هر یک بسته به وضعیت، موقعیت و همچنین، نیازها و چالش‌های زندگی خود، ممکن است روشی را برای مدیریت این چالش‌ها و نیازها برگزینند. بسیاری از زنان نخستین بار پس از خروج از زندان و وارد شدن به اجتماع، با توجه به مدت زمانی که در آنجا سپری کرده‌اند، داغ ننگی را بر پیشانی خود احساس می‌کنند که آنها را به صورت مجرم سابقه‌دار به دیگران معرفی می‌کند. برچسب «سابقه‌دار» هویتی انحرافی است که در جریان اصلی فرهنگ و زندگی اجتماعی تبعات پیچیده‌ای را به همراه دارد. یک زن زندانی پس از آزادی برای ساختن زندگی جدید و بدون خلاف، با موانع بسیاری روبه‌رو است؛ به طوری که حتی باید خود را برای مقابله با انتظارات، کلیشه‌های ذهنی، پنداشت‌ها و پیش‌داوری‌های غلط و منزوی‌کننده دیگران آماده کند. این انتظارات، کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها زمینه محرومیت، ناسازگاری اجتماعی و ناامیدی از بازسازی و بازگشت به جامعه را در آنها ایجاد می‌کند. برای کسی که سعی دارد زندگی خویش را از نو بسازد، هیچ چیز سخت‌تر از تغییر نگاه دیگران و قالب‌ریزی مجدد انتظارات و رویکردهای آنها نیست. تئوری جامعه‌شناختی فرایند برچسب‌زدن و چگونگی تبدیل یک فرد عادی به فردی «سابقه‌دار» را شرح می‌دهد؛ با وجود این، کشف مسئله چگونگی یاری کردن زنان زندانی برای مدیریت «انگ بزهکار» در امر مدیریت داغ ننگ و بازسازی زندگی مهم است.

از چالش‌های دیگر زنان پس از آزادی «کنترل و نظارت مضاعف» است و درباره طیف خاصی از مصاحبه‌شوندگان اعمال می‌شود که لزوماً در کنار خانواده زندگی می‌کنند؛ زیرا مصاحبه‌شوندگانی که از جانب خانواده طرد شده‌اند یا خود از جمله خانواده‌های مجرم و بزهکار هستند، به ندرت به این موضوع اشاره کرده‌اند. نظارت‌های شدید خانواده باعث می‌شود حبس در خانه برای زنان تداوم داشته باشد؛ چنان‌که یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

«از وقتی از زندان اومدم و همراه مادرم و برادرم زندگی می‌کنم، دائم تحت کنترلم. اصلاً نمی‌ذارن تنها جایی برم، چون هنوز بهم اطمینان ندارن... الان فکر می‌کنم، بچه‌ام از من آزادتره...».

داغ ننگ زندان: تداوم مجرم‌پنداری

داغ ننگ زندان، پدیده مجرم‌پنداری را تداوم می‌بخشد و بعضاً فرصت ادغام اجتماعی را از افراد سلب می‌کند. افراد داغ‌خورده معمولاً از جانب دیگران، به سختی پذیرش می‌شوند؛ به طوری که گاهی خروج از این سیکل معیوب برای عده‌ای از آنها امکان‌پذیر نمی‌شود و بار دیگر آنها را در شبکه‌های مجرمان و بازتولید چرخه معیوب جرم قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، طبق نظر گافمن، داغ ننگ موجب می‌شود اینگونه افراد از جریان عادی زندگی خارج و مجبور شوند با مصیبت‌ها و مشکلات خود مبارزه کنند (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۸).

سوری ۳۶ ساله به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر ۸ سال در زندان بوده است. او می‌گوید:

«کسایی که می‌دونند من زندان بودم، یکجور دیگه نگاهم می‌کنند... فکر می‌کنند دوباره این کار رو می‌کنم. خب منو مجرم می‌دونن. توی فامیل مون همه می‌دونن، برای همین دوست ندارم توی جمع‌ها باشم. هرچند هیچ وقت کسی حرفی بم نزده؛ ولی موقع صحبت کردنشون فکر می‌کنم دارن درباره من صحبت می‌کنن یا وقت نشون دادن یا معرفی کردن من، فکر می‌کنم به همدیگه می‌گن

جدول ۳- مقوله‌بندی مدیریت چالش‌های زندگی پس از زندان

| مقولات عمده | مقولات فرعی | مفاهیم |
|----------------|----------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| مدیریت چالش‌ها | هویت‌یابی مجدد و بازتعریف خود | قالب‌ریزی مجدد انتظاراتها و رویکردها، بازتعریف ارزش‌ها، مقابله با پنداشت‌ها |
| | ناشناختگی، مخفی نگه‌داشتن سوء سابقه | مخفی ماندن هویت، تغییر محل زندگی، حمایت‌های خانوادگی |
| مدیریت چالش‌ها | فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در | بازگشت به زندگی، اشتغال، مشارکت اجتماعی، مسئولیت مادری، عضویت در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های خویشاوندی |
| | فعالیت‌های روزمره | اجتماعی و گروه‌های خویشاوندی |
| مدیریت چالش‌ها | طلاق و ازدواج مجدد | قطع و دوری از شبکه‌های جرم‌زا، طلاق از همسر مجرم، تشکیل کانون خانوادگی جدید |
| | تقصیرپذیری تا انکار | شرمندگی از اعمال گذشته، تلاش برای جبران گذشته، تحولات درونی، گرایش‌های مذهبی |
| | قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق و جایگزینی شبکه‌های جدید | جدایی از شبکه‌های گذشته، حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی |

هویت‌یابی مجدد و بازتعریف خود

پس از آزادی از زندان، مرحله جدیدی از فرایند هویت‌یابی زن آغاز می‌شود. در مراحل قبل، به‌ویژه در دوران زندان و داشتن هویت زندانی زن در فضایی زندگی می‌کند که هویت اجتماعی تمام فعالان در آن یکسان است و انگ زندانی بودن مشابه معنا و مفهوم آن در جهان اجتماعی نیست. در محیط زندان، هویت افراد در ارتباط با متغیرهایی کاملاً متمایز با امور آشنای فعلی شکل می‌گیرد. برای مثال زنانی که سابقه بیشتری دارند، در تعریف‌ها و الگوسازی هویتی تعیین‌کننده‌تر هستند. برای زنان سابقه‌دار زندانی بودن و سابقه، تعریفی مثبت دارد؛ اما زمانی که این زنان از زندان آزاد می‌شوند، احتمالاً در تعریف خود و همچنین، بازیابی هویت فردی و اجتماعی با چالش روبه‌رو می‌شوند.

یگانه ۳۵ ساله در رابطه با هویت افراد در زندان، در مقایسه با جهان بیرون می‌گوید:

«زندان محیط کوچکیه با تعدادی افراد خاص و کسی نمی‌تونه توش دروغ بگه یا گزافه بیافه. شما تعدادی آدم مشخص رو هر روز اونجا می‌بینی که هرکدم کارتکس مشخصی دارن. صبح‌ها از خواب بیدار می‌شن و می‌گن خانم فلانی قاتله. کسی منکر جرمش نمی‌شه و دروغ نمی‌گه؛ چون دلیلی هم نداره دروغ بگی و برای کسی دروغ بیافی. آدم ناخواسته

به پاکی خاصی می‌رسه (همه اینطور بودن؟) وقتی مدتی زمان بگذره، همه اینطور می‌شن، چون دلیلی نداره بخوای دروغ بگی و به کی می‌خوای دروغ بگی (درباره خانواده‌هاشون و گذشته دروغ نمی‌گفتن؟) نه، محیط داخل اونجا رو می‌گم. دقیقاً برزخ به عینه دنیاست، مخصوصاً وقتی که مدت زمانی می‌گذره. دیدید اینجا برای کسی که مرده (کسی بمیره) ماه اول هر چهار تا پنجشنبه را می‌رن تا سال بشه. هر ماه نرن، یک ماه در میون می‌رن. سال که شد، سر سال می‌رن و دو سال که شد، شاید اصلاً نرن و از دور فاتحه رو بخونن. اونجا هم دقیقاً برزخه، مرده‌ای و زنده‌ای؛ یعنی انگار برای همه مردی درحالی‌که هنوز زنده‌ای. ماه اول هر هفته سر می‌زنن؛ اما ماه بعد که میشه هر یک ماه تا یک سال، تلفنی حله. هستی و نیستی، محیط داخل اینجوری یه خب. یه مدت که بگذره، وضعیت عادت می‌شه و به اوضاع عادت می‌کنی».

ناشناختگی: مخفی نگه‌داشتن سوء سابقه

مطابق نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق، بسیاری از زنان به دلیل داشتن سابقه جرم مایلند که ناشناخته باقی بمانند. هراس از افشای سابقه جرم، کابوسی جدی است که بر زنان

«...وقتی بیای بیرون دیگه نمی‌پرسن که جرم ت چی بوده. رفتن اون تو دیگه تمومه؛ یعنی می‌گن آدم بدی یه. تو رو یه آدم بد می‌دونن؛ یعنی زنی که خانواده محکمی نداشته که رفته زندان... آره، تهش اینکه درباره مرد می‌گن قاتله و همه کار ازش بر میاد و شروره؛ ولی زن رو می‌گن فاسده... آره، هر کاری کرده باشی، می‌گن فلانی بوده که رفته زندان؛ بدکاره بوده».

مطابق روایت‌های زنان، ترس از آشکارشدن سابقه جرم، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و نگرانی‌های زندگی زنان سابقه‌دار است و آنها و خانواده‌هایشان همواره در تلاشند تا به نحوی از آشکارشدن این سابقه، به‌ویژه در ارتباط با غریبه‌ها جلوگیری کنند. میزان توانایی فرد در سرپوش‌گذاری و مخفی نگاهداشتن این سابقه، به‌طور مؤثری در بازسازی ذهنی و میزان رضایتمندی و آرامش خاطر زنان سابقه‌دار نقش دارد. ویدا ادامه می‌دهد:

«تو محله قدیمی مون می‌دونن زندان افتادم. گفتم بابام خونه رو فروخت و وکیل گرفت، برای همین دیگه اونها رو نمی‌بینم؛ ولی محله جدیدمون هیچ‌کس نمی‌دونه و دلم هم نمی‌خواد کسی بدون... همون که گفتم، نگاه مردم بد می‌شه. فکر می‌کنن آدم چیکار کرده».

یا یکی از مصاحبه‌شونده‌های دیگر می‌گوید:

«خیلی خوبه که کسی نمی‌دونه من زندان بودم؛ ولی یه بدی‌هایی هم داره. مثلاً الان می‌خوام از مرکز مراقبت وام بگیرم و سه تا ضامن می‌خواد؛ ولی من از فیش حقوقی مادرم استفاده کردم. فامیلی داریم که رییس بانکه و می‌تونه به من کمک کنه؛ ولی من نمی‌تونم ازشون بخوام ضامنم بشن؛ چون آبروم میره...».

طبق یافته‌های پژوهش، امکان موفقیت در بازسازی زندگی پس از خروج از زندان، برای آن دسته از زنان که سابقه ارتکاب جرم آنها افشا نشده است و اعضای خانواده این موضوع را پنهان کرده‌اند، بیشتر از سایر زنان است؛

سابقه‌دار فشاری روانی وارد می‌کند، درحالی‌که فاش‌نشدن سابقه و پنهان‌ماندن هویت و سابقه جرم، در بازگشت آنها به جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند. به همین دلیل، این زنان تمایلی برای افشای سابقه خود ندارند و تمامی تلاش خویش را برای پنهان‌کردن آن انجام می‌دهند. در این میان، نقش اعضای درجه اول خانواده پر رنگ است و احتمالاً در بسیاری از مواقع، خانواده بیش از فرد در پنهان‌نگاهدشتن هویت او تلاش می‌کند. طبق اظهارات گافمن، فردی که داغ ننگ او درحال‌افشا است و آمادگی تسلیم‌شدن در برابر آن را دارد، احتمالاً با وجود این مسئله بسیار تلاش می‌کند تا از برملاشدن آن به میزان زیاد جلوگیری کند. در اینجا هدف فرد کاهش تنش‌ها یا به‌عبارت‌دیگر، کمک به خودش و دیگران برای حذف توجهات پنهان به داغ ننگ و حفظ مشارکت طبیعی در محتوای رسمی فعالیت‌های متقابل است. باوجوداین، ابزارهای لازم برای تحقق این هدف، کاملاً شبیه و در بعضی موارد برابر با ابزارهایی هستند که برای گذرکردن از آنها استفاده می‌شود؛ زیرا آنچه داغ ننگ را از نظر افراد ناآگاه مخفی می‌کند، شاید کاهش‌دهنده وقوع مسائل برای افراد آگاه هم باشد. گافمن، این فرایند را «درپوش‌گذاری» می‌نامد (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۰).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زنان مصاحبه‌شونده، به‌دلیل ترس از انگ و برچسب‌های اجتماعی نظیر انگ فاسدبودن و روسپیگری که به کلیشه‌های ذهنی اعضای جامعه نیز مربوط می‌شود و نیز به‌دلیل ترس از طرد و کنار گذاشته شدن، سعی در پنهان‌کردن هویت خویش دارند.

نکته جالب توجه آن است که این زنان، فارغ از جرم ارتكابی معتقد بودند به‌محض آشکارشدن هویت مجرمانه‌اشان، دیدگاه و نظر کنشگران اجتماعی نسبت به ایشان تغییر می‌کند و آنها را افرادی بی‌بندوبار و فاسد می‌دانند که برای ارتکاب جرائم اخلاقی به زندان افتاده‌اند.

ویدا ۲۹ ساله به‌دلیل حمل و نگهداری مواد یک سال زندان بوده است. او می‌گوید:

نگهداری شبانه‌روزی از سالمند جور کرد تا اینکه اون سالمند مرد. حالا هم همون کار رو دارم؛ ولی شبانه‌روزی نیست... با مادرم زندگی می‌کنم و ازش نگهداری می‌کنم... تو این دو سالی که آزاد شدم، یه مقدار پول جور کردم تا برای دخترم عقد کرده‌ام جهیزیه بخرم؛ ولی خیلی کمه. وام‌هایی هم که میدن، خیلی کمه...».

درمجموع، این فعالیت‌ها در قالب این نقش‌ها و برنامه‌های جمع‌بندی می‌شوند:

- نقش‌های مرتبط با مادری و حضانت فرزندان،
- اشتغال و درگیری در فعالیت‌های کاری و
- عضویت در شبکه‌های اجتماعی و اتصال به گروه‌های خویشاوندی.

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در فعالیت‌های روزمره، در بازدارندگی زنان از جرم و همچنین، دستیابی به موفقیت در بازسازی زندگی نقش مؤثری ایفا می‌کند که این مسئله نیز تأییدکننده نظریه اجتماعی هرشی است (هرشی، ۱۹۹۰ به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۳).

از تقصیرپذیری تا انکار

براساس تجزیه و تحلیل یافته‌ها پس از آزادی تصور زن درباره به ناحق زندانی شدن خود، در بروز بیماری‌های جسمی و روحی او مؤثر است. طبق ارزیابی مصاحبه‌های کیفی کسانی که زندانی شدن را عادلانه و ناشی از عملکرد اشتباه خود می‌دانند، برای بازسازی زندگی، رفع مشکلات و برطرف کردن نواقص و عملکردشان بیشتر تلاش می‌کنند. مونای ۳۷ ساله به جرم سرقت یک سال زندانی بوده است. او می‌گوید:

«الان پشیمون هستم و امیدم به خداست. خیلی زن‌ها رو دیدم و برام تجربه شد به طرف کار خلاف نرم. زندان درس‌های زیادی بهم یاد داد. دیگه نون خشک خالی رو بخورم، طرف زندان نمی‌رم. با تمام اینها بازم خدا رو شکر می‌کنم که

با این حال، به نظر می‌رسد وجود این عوامل در خانواده زندانیان در میزان پنهان‌کاری آنها و همچنین، میزان موفقیت آنها در پنهان‌کردن سابقه جرم مؤثر است: سطح طبقاتی، ویژگی‌های فرهنگی، روابط درون‌خانوادگی، میزان تحصیلات، منزلت اجتماعی و... براساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی در برخی مواقع خانواده‌های زنان زندانی به دلیل ترس از دست دادن جایگاه و موقعیت و منزلت اجتماعی خویش، سعی می‌کنند سابقه جرم زنان عضو خانواده خود را پنهان کنند؛ بنابراین، اقداماتی مانند این موارد را انجام می‌دهند: تغییر محل سکونت، قطع ارتباط با بستگان و اطرافیان یا برعکس، طردکردن و پیگیری نکردن پرونده زن زندانی.

فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در فعالیت‌های روزمره

از جمله شیوه‌های مدیریت چالش‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در زندگی روزمره است. طبق نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی بعضی از مصاحبه‌شوندگان با بازگشت به زندگی عادی و روزمره و درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی به کلی از زندگی مجرمانه خویش کناره‌گیری کرده‌اند. براساس نتایج چنین استنباط می‌شود که احتمالاً این مشغولیت‌ها در دو قالب فعالیت‌های رسمی مانند اشتغال و کسب و کار یا به صورت فعالیت و درگیری در امور مربوط به بچه‌ها و زندگی روزمره، آشکار می‌شوند. اختر ۶۷ ساله می‌گوید:

«در این شش ماهی که از زندان آزاد شده‌ام، به نظرم حالم بهتره. خدا رو شکر کارم گرفت و اوضاعم بد نیست و سرگرم زندگی هستم. از همه مهم‌تر قسط‌های وامم رو می‌دم که از این بابت خوشحالم... خدا رو شکر می‌کنم کاری هست که انجام بدم. احساس می‌کنم تازه به دنیا اومدم...».

یا شهین ۵۲ ساله می‌گوید:

«از وقتی از زندان اومدم، یک روز هم بیکار نبودم. همون موقع حدود نه ماه برادرم برام یه کار

قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق و جایگزینی شبکه‌های جدید
 براساس نتایج پژوهش بریدن از شبکه‌های منفی و مخرب گذشته و اتصال به شبکه‌های مثبت و حمایت‌کننده مانند شبکه‌های دوستانه، خویشاوندی و گروه‌های ورزشی و هنری، میزان دسترسی افراد را به منابع و فرصت‌های اجتماعی لازم برای بازسازی زندگی خود افزایش می‌دهد؛ به همین دلیل بعضی از زنان پس از آزادی این فرصت برایشان فراهم می‌شود که روابط خود را با بستگان و خویشاوندان نزدیک افزایش دهند. پس از آزادی ارتباط با خویشاوندان، طیف وسیعی از خدمات و حمایت‌های ضروری را در اختیار این زنان قرار می‌دهد.

ریحانه ۵۷ ساله به اتهام کلاهبرداری و چک بلامحل در زندان بوده است. او تجربه خود را چنین روایت می‌کند:
 «از وقتی از زندان اومدم، بچه‌ها مهربون‌تر شدن و بیشتر هوام رو دارن. خودشون می‌دونن بی‌گناه بودم و همه تلاشم رو برای اونا می‌کردم... همه افراد خانواده هم ازم حمایت کردن. همشون باهم پول جمع کردن و با کمک وامی که از ستاد دیه گرفته بودن، بدهی‌های منو دادن و من از زندان آزاد شدم. همه بهم محبت کردن و در حقم لطف داشتن. اگه خانوادم نبودن، نمی‌دونستم باید چیکار کنم».

او در ادامه می‌گوید: «الان حالم خیلی خوبه و دیگه حواسم جمع شده. بدون مشورت هیچ کاری نمی‌کنم. تو خونه خیاطی می‌کنم و بیشتر اوقاتم برای فروش ترشیجات و مربا درست می‌کنم. دلم می‌خواد ترشی‌هام مثل ترشی‌های عمه لیلا توکل تهران مشهور بشن».

طبق نتایج پژوهش، برای بسیاری از زنان زندانی کار و تلاش و همچنین، امید به آینده، در کنار پشتیبانی از عملکرد گذشته و حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی در مدیریت چالش‌های پس از حبس تأثیر دارد.

درنهایت، براساس تجزیه و تحلیل این مصاحبه‌ها برخی از زنان چه در دوران زندان و چه پس از آزادی با انجام این

کنار دخترم هستم... راه پله تمیز می‌کنم و خرج خودم رو در می‌آرم... به آینده امید دارم و به خدا توکل می‌کنم».

این مسئله تقریباً در تمام جرائم دیده می‌شود. بعضی اوقات نپذیرفتن تقصیر به این مسائل منجر می‌شود: تکرار جرم، انجام جرایم مضاعف، به وجود آمدن حس انتقام و انتقام‌گیری، گسترش بیماری‌های جسمی و روحی، نپذیرفتن وضعیت زندگی و تلاش برای خروج از وضعیت نابسامان آن. انداختن گناه اعتیاد به گردن خانواده، والدین یا همسر و وضعیت جامعه، محیط و دوستان، موجب می‌شود زنان معتاد بیشتر به طرف مواد کشیده شوند و نقش خود را در عمل ارتكابی منفعل ببینند؛ چنان‌که به همین دلیل، حتی از وضعیت کنونی خود نیز راضی باشند. نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد «پشیمانی» ابعاد مثبتی دارد که در ایجاد انگیزه برای بازگشت به جامعه و فرایند بازسازی مؤثر است. همچنین، براساس یافته‌ها مصاحبه‌شونده‌هایی که به هر دلیل ابراز پشیمانی نکرده‌اند و بر جرم خود یا توجیه آن اصرار داشته‌اند، در فرایند عینی و ذهنی بازسازی چندان موفق عمل نکرده‌اند. یگانه ۳۵ ساله می‌گوید:

«پشیمون نیستم. این هم یه تجربه‌ست. زندگی بالا و پایین داره که سیر تکامل انسانه. اگه کف رو نداشته باشی، چطور می‌فهمی اون بالا چه چیه و اون اوجش چه؟ همه‌جور زندگی و بیماری و همه چیز رو تجربه کردم. همه‌جور بیماری رو که سخت ترینش اعتیاده. بعضی تجربه‌ها مثل مادرشدن رو اگه بخوای بفهمی، حتما باید تجربش کنی تا بشه حسش رو توضیح بدی... پیش بیاد، می‌گم زندان بودم. چه اهمیتی داره چپ یا راست نگاه کنن. فردا صبح خورشیدم می‌تابه، خدا هم همون خداست. آب و برق و نفسم قطع نمیشه».

به‌طورکلی براساس تجزیه و تحلیل نتایج، زنانی که دائماً تقصیر خود را منکر می‌شوند و آن را نمی‌پذیرند، در بازسازی زندگی خود کمتر موفق می‌شوند.

امور، به‌طور مؤثری برای دوری از جرم و ترک آن و همچنین، بازسازی زندگی خود تلاش کرده‌اند: قطع شبکه‌های ارتباطی جرم‌زا و دور شدن از افرادی که باعث شده‌اند آنها جرم را مرتکب شوند، کناره‌گیری از زندانیان دیگر و به‌جای آن، شرکت کردن در جمع‌های دیگر مانند عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شرکت در کلاس‌های آموزشی و حرفه‌آموزی و نیز جلسات قرآن و جلسات NA.

گذشته از آن، یکی از مهم‌ترین اقدامات برخی زنان برای قطع ارتباط با عوامل جرم‌زا طلاق از همسر است. درحقیقت، این زنان در دو حال درخواست طلاق می‌کنند: زمانی که جرم آنها تابعی از جرائم همسرشان است و با آنها هم‌جرم هستند یا آنکه نقش آنها را در ارتکاب جرم خود بسیار تأثیرگذار می‌دانند. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زنانی که بعد از آزادی از زندان، در بازسازی زندگی خود موفق می‌شوند، معمولاً روابط خود را با افراد داخل زندان قطع کرده‌اند.

اختر ۶۷ ساله ۱۱ سال به جرم کلاهبرداری در زندان بوده است. او می‌گوید:

«بالای در زندان نوشته شده بود پس از زندان، فراموش می‌شوی؛ برای همین دیگه با کسی دوست نیستم. از طرفی هم نمی‌دونستم زندگیشون چجوره. اونقدر بلا کشیدم که دیگه طاقت ندارم».

مطابق بررسی ادبیات پژوهشی بیشتر زنان موفق در امر بازسازی زندگی خود، گفته‌اند با دوستان جدید، مربیان آموزشی، روحانیون، مشاوران و اعضای گروه‌های NA و... رابطه مثبت و حمایت‌کننده‌ای دارند. روابط با روحانیون، مشاوران و مبلغان دینی یک منبع مهم برای بسیاری از زنان در داخل و خارج از زندان است و این افراد، به‌طور چشمگیری به زندانیان کمک می‌کنند (Bui and Morash, 2010: 16).

جمع‌بندی و نتیجه

نتایج این پژوهش براساس مصاحبه‌های عمیق کیفی با زنان سابقه‌دار، درباره تجربه آنها پس از آزادی از زندان و نیز با

تأکید بر مفهوم بازسازی به دست آمده است و سپس این یافته‌ها ارزیابی شده‌اند. طبق روایت زنان از زندگی خود، سعی شده است مراحل و فرایندهای زندگی آنان پس از حبس شناسایی شود. هدف از این مطالعات، به دست آوردن سندی پربار از انتخاب‌های شخصی و متغیر مجرمان و تجارب زندگی آنها در طول حیاتشان است؛ بنابراین، اسناد خط سیر زندگی به فهم مراحل و دوره‌های حیاتی مربوط به فرایندهای شکل‌گیری جرائم خشن و غیرخشن منجر می‌شود. همچنین، به کمک این مطالعات درمی‌یابیم که چگونه افراد خاص به وسیله موقعیتشان در جامعه، توانا یا محدود می‌شوند (پیرس و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۳ و ۱۲۲). به‌این‌ترتیب، در این پژوهش از مصاحبه‌های کیفی عمیق و ترسیم خط زندگی به‌صورت راهی برای بررسی بیشتر وقایع بحرانی زندگی، آغاز یا ادامه مجرمیت و درعین‌حال، بازگشت به جامعه و زندگی پس از زندان استفاده شده است؛ درحالی‌که میان مقولات، روابط علت و معلولی وجود ندارد و هر واقعه‌ای لزوماً پیامد و اثر وضعیتی خاص نیست. همچنین، پژوهش حاضر به‌دلیل کیفی بودن، به‌هیچ‌وجه قصد ندارد نتایج حاصل‌شده خود را تعمیم دهد؛ هرچند در تمامی مراحل پژوهش و گزارش‌نویسی برای افزایش اعتبار پژوهش، تأیید مقولات اکتشافی و کاهش شائبه تفسیر شخصی اطلاعات، به نتایج سایر تحقیقات ارجاع داده شده و تم‌ها و روایت‌های زنان، نقل قول شده است.

درمجموع، نتایج نشان می‌دهد بازگشت به جامعه و سازگاری با آن و قرارگرفتن در مسیر بازسازی برای عده معدودی از زنان، مسیری تقریباً صاف و هموار است؛ زیرا خانواده‌های آنان و همچنین، برخی شبکه‌های اجتماعی که در آن عضویت داشته‌اند یا دارند، بازگشت مجدد آنها را می‌پذیرند یا آن زنان، شغل یا مهارتی اشتغال‌زا دارند. باین‌حال، برای بسیاری از زنان سابقه‌دار، بازسازی زندگی مسیری سخت و ناهموار است؛ چنان‌که طیف وسیعی از آنان،

⁶ Piers

همدردی با زن، متقاعد کردن فرزندان، سرزنش نکردن و سرکوفت‌نزدن و مواردی نظیر اینهاست.

همچنین، مطابق یافته‌های پژوهش، پذیرش و روابط فرد پس از زندان، ارتباط بسیار زیادی با این عوامل دارد: بازخوردهای زندان‌رفتن او در میان خانواده و دیگر افراد مهم و همچنین، حسن اعتماد، اعتبار و منزلت اجتماعی پیش از زندان یا بعد از آن که فرد از طریق اعتمادسازی برای خویش به دست آورده است. زنانی که پیش از ارتکاب جرم جایگاه و منزلت ویژه‌ای در خانواده داشته‌اند و اعضای خانواده نیز آنان را چندان مقصر نمی‌دانند، احتمالاً بیشتر از طرف خانواده خود پذیرفته می‌شوند؛ چنان‌که به همین دلیل، بعضی از زندانیان مالی بیشتر از طرف خانواده حمایت شده‌اند. در واقع، زنان محبوسی که سرمایه‌های اجتماعی بیشتری دارند، شانس موفقیتشان در بازگشت به جامعه بیشتر است؛ در حالی که سرمایه‌های اقتصادی مانند دارایی فردی یا خانوادگی نیز به‌طور فوق‌العاده‌ای در این فرایند نقش دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین مشکلات بیشتر زنان مصاحبه‌شونده، فراهم‌نبودن هزینه‌های زندگی و مشکلات اقتصادی است که آنها را در معرض «آسیب‌پذیری مضاعف» قرار می‌دهد؛ زیرا دستیابی به شغل و درآمد، برای زنان سرپرست خانوار امری حیاتی است و عقب‌ماندگی اجتماعی ناشی از نداشتن آن، هر لحظه امکان لغزش و کج‌روی را افزایش می‌دهد. در جوامعی که فرهنگ مردسالاری غلبه دارد و حوزه‌های کاری براساس استیلای مردانه است، فضاهای کاری برای زنان ترسناک و ناامن می‌شوند. اموری مانند طردشدن از این فضاها، نبودن حمایت‌های اجتماعی و دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی ایمن، باعث می‌شود زنان دائماً با چالش‌های جدی درگیر شوند و همین مسئله، احتمال ارتکاب مجدد جرم را افزایش می‌دهد.

داغ‌ننگ زندان و ترس از افشای آن، چالش دیگری در زندگی این زنان محسوب می‌شود که معمولاً با کلیشه‌های قالبی و ذهنی رایج مربوط به این جرائم گره خورده و به

پس از خروج از زندان با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای مواجه‌اند که گذشته از آسیب‌پذیر کردن آنها احتمالاً در بسیاری مواقع، این مشکلات به زندانی‌شدن مجددشان منجر می‌شود. بنابراین، در این پژوهش، زندگی پس از زندان، چالش‌های آن و همچنین، مدیریت این چالش‌ها و نیز عوامل مؤثر بر بازسازی زندگی شامل عوامل تأثیرگذار در توفیق یا شکست این فرایند بررسی شده است.

طبق تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها زنان روایت‌های گوناگونی از چالش‌های زندگی پس از زندان بیان کرده‌اند که احتمالاً باعث می‌شود آنها در بازسازی زندگی خود موفق نشوند. به این ترتیب، اساسی‌ترین چالش‌های زندگی زنان، پس از رهایی از زندان این موارد هستند: شیوه پذیرش و اتصال به خانواده، بازخوردهای زندان و روابط اجتماعی، سرزنش و تحقیر، احساس تنهایی، احساس محرومیت و عقب‌ماندگی، از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی، داغ‌ننگ و سوءسابقه، کنترل و همچنین، نظارت مضاعف. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از جمله مهم‌ترین چالش‌های زنان پس از رهایی ترس از نپذیرفتن خانواده و جدایی از شبکه‌های خانوادگی است که معمولاً در روزهای پایانی حبس تشدید می‌شود؛ زیرا زنان زندانی می‌دانند که به دلیل طرد خانواده، احتمالاً با مشکلات مالی و معیشتی و همچنین، مشکل در پیدا کردن محل سکونت مواجه می‌شوند. مطابق ارزیابی نتایج زنانی که از حمایت و پشتیبانی اعضای خانواده، به‌ویژه همسران خویش بهره‌مند می‌شوند، احتمالاً در فرایند بازسازی بسیار موفق‌تر از سایر زنان عمل می‌کنند. برعکس، زنانی که از حمایت‌های همسر محروم هستند، در بیشتر مواقع با مسائل و مشکلاتی مضاعف مواجه‌اند که ناشی از مشکلات خانوادگی و زناشویی و نیز مشکلات پس از خروج از زندان است. براساس این مطالعه، حمایت‌های خانواده و همسر شامل حمایت‌های مالی و اقتصادی، کمک در پرداخت بدهی یا جریمه‌های نقدی، پیگیری پرونده، گرفتن وکیل، حضور در روزهای ملاقات و حمایت‌های کلامی مانند همدلی و

هرشی پیوند شخص با جامعه، چهار جزء اصلی دارد: «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه، تعهد داشتن، درگیر شدن در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره و در نهایت، اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات که به‌طور کلی این مسائل به هم‌نوایی در جامعه و کاهش احتمال کج‌رفتاری افراد می‌انجامد (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۳ و ۵۲).

در پایان، براساس نتایج به‌دست‌آمده، هرچه میزان «ناشناختگی و گمنامی» زنان زندانی در شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های خانوادگی یا همسایگی سابق یا کنونی بیشتر باشد، به همان نسبت ممکن است احتمال موفقیتشان افزایش یابد؛ درحالی‌که آشکار شدن سابقه ارتکاب جرم و تغییر نگاه اطرافیان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی این زنان است که ظاهراً ارتباط چندانی نیز با نوع جرم و سابقه ندارد. با توجه به این مطالب، یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های زنان، مدیریت داغ‌ننگ و پنهان‌نگاهداشتن سابقه جرم و گمنامی است و گافمن، این فرایند را «سرپوش‌گذاری» می‌نامد (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

به‌طور کلی به نظر می‌رسد زنان برای مدیریت چالش‌های زندگی پس از زندان، بیشتر راهکارها و استراتژی‌های فردی را بر می‌گزینند که این کار معمولاً با تکیه بر حمایت‌های خانوادگی و اتصال به شبکه‌های خویشاوندی است. براین اساس، در زمینه مدیریت چالش‌ها و استراتژی‌های مطلوب زنان برای کاهش تبعات حبس، خدمات جامعه‌محور و جامع یا وجود ندارند یا میزان آنها اندک است که این امر، باید به‌طور جدی مطالعه و بررسی شود و مجال آن در این تحقیق فراهم نیست. بنابراین، در آینده برای انجام چنین تحقیقاتی این فرضیات مدنظر هستند: نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط، چه نوع خدمات و حمایت‌های اجتماعی و جامعه‌محوری را پس از خروج از زندان، به زنان ارائه می‌دهند و زنان چگونه از وجود این خدمات مطلع می‌شوند و از آنها چه استفاده‌هایی می‌کنند.

همین دلیل، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زنان مدنظر در رابطه با افشای سوء سابقه حبس، ترس از «روسپی‌پنداری» است. از آن گذشته، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد مطابق باور جرم‌شناسان فمینیسم، هرچند ممکن است زنان همه انواع بزهکاری را مرتکب شوند، احساس فشار و هراس از داغ بزهکاری برای آنها کاملاً جدی است؛ زیرا زنان مجرم دو برابر منحرف محسوب می‌شوند. دلایل این امر هم این موارد است: زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی و نیز غیرزنانه و غیرطبیعی بودن، زیرا با وجود قواعد رفتار زانه، عمل خلاف انجام داده‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۲۲۱ و ۲۲۰).

با وجود مسائل و آسیب‌های موجود پس از خروج از حبس، زنان مصاحبه‌شونده برای مدیریت چالش‌ها، کاهش پیامدهای حبس و انطباق با وضعیت استراتژی‌های متفاوتی را برگزیده‌اند که به‌طور مؤثری در روند بازسازی زندگی و بازگشت موفقیت‌آمیز آنها به جامعه، نقش دارد. مطابق یافته‌ها این زنان از طریق سرپوش‌گذاری و پنهان‌کردن سابقه، گمنامی و ناشناختگی (که با حمایت‌های خانوادگی، میزان تحقق آن افزایش می‌یابد) هویت‌یابی مجدد و بازتعریف خود، فعالیت‌های اجتماعی و درگیری در فعالیت‌های روزمره مانند اشتغال و رسیدگی به امور فرزندان، پشیمانی و پذیرش تقصیر و سرانجام، قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق شبکه‌های جایگزین، چالش‌های زندگی خود را به نحوی مدیریت می‌کنند.

به این ترتیب، درگیری‌های اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، در کنار مادربودن و مسئولیت نگهداری از فرزندان در فرایند مدیریت چالش‌ها و همچنین، تلاش در بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه، هم‌نوایی و پرهیز از ارتکاب مجدد جرم مؤثر است. هرشی در نظریه کنترل اجتماعی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. طبق دیدگاه او پیوند میان فرد و جامعه، مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد و ضعف یا نبود این پیوند، علت اصلی کج‌رفتاری است. از نظر

منابع

- تهران: انتشارات صفار.
- گافمن، ر. (۱۳۸۶). *داغ ننگ؛ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه: مسعود کیانپور، تهران: مرکز. محمدپور، ا. (۱۳۸۹). *روشن در روشن درباره روشن ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نیازپور، ا. ح. (۱۳۸۷). «محرومیت از حقوق اجتماعی در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، جلوه‌ای از کارکرد توان‌فرسای کیفرهای اجتماع‌محور»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره جدید، ش ۶۲، ص ۱۳۰-۱۱۳.
- Bui, H. & Merry, M. (2010) "The Impact of Network Relationships, Prison Experiences, and Internal (Transformation on Women's Success After Prison Release", *Journal of Offender Rehabilitation*, 49:1-22.
- Creswell, J. W. (2007) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*. London: Sage.
- McLean, R.L. Robarge, J. & Sherman, S. G. (2006) "Release from Jail: Moment of Crisis or Window of Opportunity for Female Detainees?". *Journal of Urban Health*, 83(3): 382-393 .
- Moustakas, C. (1994) "*Phenomenological research methods*", Thousand Oaks, C.A:sage.
- O'Brien, P. (2001) "*Making it in the "free world": Women in transition from prison*", New York, NY: State University of New York Press.
- O'Brien, P. (2002) "*Evaluation of Grace House: Using past experience to inform future Results*", Chicago, IL: Jane Addams College of Social Work.
- O'Brien, P. & Leem, N. (2007) "Moving from Needs to Self-Efficacy—A Holistic System for Women in Transition from Prison". *Women & Therapy*, 29: 261-284.
- O'Brien, P. (2008) "*Maximizing Success for Drug-Affected Women After Release from Prison*" Women & Criminal Justice Publication details, including instructions for authors and subscription information: <http://www.tandfonline.com/loi/wwcj20>.
- Silverman, D. (2000) "*Doing Qualitative Research*": *A Practical Handbook*, Sage Publications Ltd.
- ابراهیمی، ش. (۱۳۹۱). «بازپرووی عادلانه مجرمان»، *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، س ۲، ش ۳، ص ۱۷۶-۱۵۱.
- آبوت، پ و والاس، ک. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
- استراوس، ا و کرین، ج. (۱۳۸۵). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- افراسیابی، ع. (۱۳۸۹). «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پساکیفری موجود»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، س ۵، ش ۱۵، ص ۳۴-۵۷.
- پیرس، ب؛ دبلیو، ج. و مسر، ا. (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی با رویکردی جامعه‌شناختی*، بخش اول مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- سراج‌زاده، ح. و نوربخش، ا. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی با جرم زنان در ایران»، *نشریه مطالعات زنان*، س ۶، ش ۳، ص ۵۳-۳۱.
- صادقی‌فسایی، س. و میرحسینی، ز. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی»، *مجله زن در توسعه و سیاست*، د ۱۲، ش ۳، ص ۳۶۲-۳۴۲.
- صدیق‌سروستانی، ر. ا. (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: انتشارات سمت.
- فلیک، ا. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیقات کیفی*، ترجمه: هادی خلیلی، تهران: نشر نی.
- کرسول، ج. (۱۳۹۴). *پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری و مطالعه موردی)*، ترجمه: حسین دانایی‌فرد و حسین کاظمی،

